



طسوع وحدت

ارگان نشریات تربیتی و فرهنگی وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

شماره ۲۰ - سال دوم قوس ۱۳۷۱ هـ ش ۱۴۱۳ هـ ق ۱۹۹۲ - میلادی

آقای استاد مرادی بیرکل غربت استلای

دانشیدن شورای حل و عقد را نامکن نیست ۶ صفحه ۹

هفت غربت افغانستان طی صد قطعه مشترک امان

یعنی اتان شورای حل و عقد شد ۱۱ صفحه ۱۱

مردم خبر آریست افغانیاند و خبر در شورای حل و عقد شد ۱۰ صفحه ۱۰

ولادت باسعادت حضرت فاطمه زهرا دخت نبی اکرم مبارکباد

افغانستان در یگانگه

صفحه ۳

از: نوروز علی حمیدی

چار سوی عالم متوجه افغانستان نمودند و این تحولات و جریانهایک سری پدیده های مقطعی و گذرا آنچنانکه بعضی ها وانمود می کنند - نمیباشند، بلکه هرواقعه ی دردناک امروزی همان غده های چرکین و زهرا گین دیروزی است که در جای جای پیکر رشید

تحولات و رویداد های سیاسی که پس از سقوط رژیم نجیب در افغانستان بوجود آمدند، گاه آنچنان هول انگیز و عظیم بودند که تمام رویدادهای مهم جهان را تحت الشعاع قرار داده و تلکس های خبری دنیا را اشغال کردند و ذهنیت ها و افکار عمومی را در



چرا امنیت و ثبات در کابل بوجود نیامد؟

با گذشت حدود ۸ ماه از استقرار سه دور دولت موقت اسلامی در افغانستان تا هنوز امنیت و ثبات در کابل بوجود نیامده بلکه گاهگاهی شعله های آتش جنگ خانمانسوز بساثر ولایات نیز زبانه کشیده هم اکنون در کابل امنیت و ثبات وجود ندارد راههای تدارکاتی مسدود و مواد ارتزاقی و احتراقی در زمستان سخت و سرمای شدید نایاب و مردم مظلوم سراسر کشور بخصوص شهریان مظلوم کابل یاد راثر جنگ و ناامنی کشته میشوند و یا از قحطی همه جانبه عذاب میکشند.

تاجائیکه وضعیت موجود کشور باتوجه به روند برخورد انحصار گرایانه

صفحه ۲

حوزه های علمی در آستانه یگ تحول جدید

صفحه ۷

موقعیت زن در جوامع بشری

صفحه ۶

فلسطین اشغالی در آستانه یگ تحول جدید

صفحه ۶

مسجد قدیمی و باستانی باری در ایات
امارتش میشد توسط هندو های فراطی
تخریب شد

صفحه ۷

سازمان تعاون اقتصادی و کشاورزی
در جهت استقلال و خود کفائی کشورهای اسلامی
دستیابی

صفحه ۷

تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان از نظر اسلام

صفحه ۵

از: علی محسنی

از انقلاب و چه در دوران ۱۴ ساله انقلا ب مطبوعات، نشریه ها، مجلات و ... در داخل و خارج از کشور کلا " به مسایل سیاسی پرداخته اند و در رابطه با مسایل تربیتی یا هیچ توجه نشده است و یا اگر توجه شده باشد، خیلی ناچیز بوده است.

در جوامع امروزی جهانیان توجه خاصی نسبت به مسایل کودک و نوجوان دارند، خصوصاً کشورهای متمدن و پیشرفته، قراریکه شنیده ام کشور - ژاپن: چندین کانال تلویزیون شان روزانه تنها برنامه کودک پخش میکنند. در جامعه افغانستان، چه در دوران قبل

آنچه درین شماره میخوانید:

- ۱ - چرا امنیت و ثبات در کشور بوجود نمی آید؟
- ۲ - افغانستان در یگانگه نگاه
- ۳ - ولادت باسعادت حضرت فاطمه (س)
- ۴ - فلسطین اشغالی در یگانگه
- ۵ - حوزه های علمی در
- ۶ - تعلیم و تربیت کودکان و
- ۷ - موقعیت زن در جوامع بشری
- ۸ - سازمان اقتصادی
- ۹ - مصاحبه استاد مزاری دبیرکل حزب
- ۱۰ - مصاحبه آیت الله فاضل نماینده
- ۱۱ - گزیده اخبار



چرا امنیت و ثبات در ...

غیر مسئولانه و غیر واقع بینانه صدر نظام و بعضی از عناصری که پست های کلییدی را بچنگ آورده همنوا و وابسته پارتی سیاسی مسئول نظام است ، ارزیابی میگردد چندان افق روشنی نیز ندیده نمیشود .

بلکه برعکس دوام چنین برخوردها و عدم توجه به مسایل اصلی مملکت و سوء استفاده و بهره برداری سیاسی و مالی از موقف دولتی بمنظور تحکیم حزب و گروه خاصی آینه شده تاریخ و خطرناکی را بوجود خواهد آورد . بمنظور روشن شدن حقایق و دریافت پاسخ به اینکه چرا امنیت و ثبات در کشور بوجود نمی آید ، نگاهی ولو گذرا و مختصر پیرامون مسایل جاری و حوادثی که در طول ۸ ساله در افغانستان گذشت می افکنیم .

۱- در اثر یک تصمیم گیری غیر مسئولانه در پیشاور دولتی تحت رهبری استاد حضرت بیگت الله مجددی بطور ناقص در کابل استقرار یافت ، در حالیکه خیلی از جناحهای سیاسی در ترکیب دولت وجود نداشت ، و این مسئله مانع بزرگی در جهت امنیت و ثبات کشور محسوب میگردد ولی آقای استاد مجددی بادرک این واقعیت در مدت کم دوماهه زمام داری اش کوشید تا این مانع را از سر راه بردارد و کشور را بسوی یک ثبات اصولی و امنیت هدایت نماید که واشتباه عمد سیاسی پیشاور را جبران نماید که بهمین سلسله جلب رضایت و همکاری هشت ولایت سمت شمال را در قالب جنبش ملی و اسلامی و مشارکت حزب وحدت اسلامی را در دولت وی باتوجه به «وانع عدیده دیگر میتوان از دل سوزی و موافقت دوره وی به حساب آورد .

۲- دور دوم انتقال قدرت به آقای ربانی برای مدت چهار ماه بعمل آمد ، درین دوره زمینه ایجاد امنیت ، رفع نواقص و رسیدگی به مسایل اصلی کشور ، تا «مین نیازها برقراری روابط خارجی و ایجاد فضای باز انتخابات عادلانه و منصفانه برای تعیین سرنوشت آینده نسبت به دوره آقای مجددی مساعد تربونکه متأسفانه در موعد مقرر آقای استاد ربانی نه تنها در هیچ موردی موفقیت نداشته بلکه تنش های بی موردی هم میان جناحهای سیاسی و جهادی کشور به بار آورد ، رمز عدم موفقیت آقای ربانی

در مدته شش ماه زمام داری اش درینجا نهفته است که در تمام امور بادی تنگ نظرانه و انحصار گرایانه عمل نموده حتی شایع است که آقای استاد ربانی در ختم دوره چهار ماهه اش عمداً " شورای حل و عقد و یا شورای اسلامی را دائرنکرد تا مدت زمام داری اش را تمدید نماید که چنین شد ، در حالیکه در آن موقع باتوجه بشرايط اقلیمی امکان دایر شدن شورای وجود داشت که بهمین دلیل شورای رهبری در حین تمديد (۴۵) روزه زمام داری وی تعهد گرفتند که بار دیگر قابل تمديد نیست ، دلیل روشن تنگ نظری و انحصار گرائی که عنوان شد این است که همه به این حقیقت واقف اند که لازمه بوجود آوردن امنیت و ثبات در کشور ایجاد ترکیبی از نیروها و جهادی در چوکات وزارت دفاع و داخله است که مستقیماً " په امنیت سروکار دارد ، اما

متأسفانه آقای احمد شاه " مسعود " نیز وزارت دفاع و نیروهای امنیتی را محصور به شورای نظر نموده که با دوام چنین وضعیت آمدن امنیت و ثبات در کابل را عملاً " ناممکن ساخته و به بحران اعتماد دامن زده است .

نکته ظریف دیگری که حائز اهمیت و توجه است ، آقای استاد ربانی پس از اینکه در برابر شورای قیادی تعهد سپرد که بار دیگر حق تمديد دوره زمام داری اش را با چنین شیوه ندارد ، دست و پاچه شده باتعیین کمیونی مسئله تدویر شورای حل و عقد را مطرح نمود تا این طریق باتکیه بر موقف و امکانات دولتی شانس انتخاب شدنش را برای (۱۸) ماه دیگر اردست نهد .

درین راستا حزب وحدت اسلامی مواضع بسیار روشنی داشته کوشیده و خواهد کوشید تا یک نظام قابل قبول برای همه احزاب و میلیتهای ساکن در کشور بوجود آید چنانچه در جهت ایجاد شورای حل و عقد تلاش نمود تا شاید یک دولت قانونی تر و یکارآمد امنیت و ثبات در کشور حاکم گردد که باتوجه به واقعیت های های عینی تدویر شورای از طرف اکثریت احزاب سیاسی کشور به اضافه هشت ولایت سمت شمال و قندهار ، روزگان و غیره ۰۰ بنابر دلایل معقول ، شرايط جوی ، نبودن ارتباطات و امکانات و عدم آمادگی مردم برای انتخاب نماینده واقعی شان حزب وحدت اسلامی نیز با پذیرفتن واقعیت ها اعلام کرد که فعلاً " شرايط برای ایجاد شورای حل و عقد مساعد نیست .

اما با کمال تأسف جزای بیان حقیقت تحمیل جنگ گردید ، آقای احمد شاه مسعود

و جناب ربانی صاحب بالین اعلام موضع که امیدهای واهی خود را بر باد رفته میدید سه روز بعد از اعلام دبیرکل حزب وحدت اسلامی دائر بر اینکه امکان برگذاری شورای حل و عقد فعلاً " وجود ندارد ، در تاریخ ۱۴ ار ۱۳۷۱ - در حالیکه نیروهای شورای نظار بانیروهای سید منصور نادری درگیر بود ولی به تلافی از بیان حقیقت جنگ ویرانگری را بار دیگر علیه شهریان کابل و مواضع حزب وحدت اسلامی نیز آغاز کرد و عملاً " نیروهای شورای نظار به قرارگاههای حزب وحدت حمله نمود ، غافل از اینکه زور آزمائی در کشور بارها آزمایش شده رزمندگان حزب وحدت اسلامی در دفاع از خود و مردم خویش همیشه به تجاوز پاسخ دندان شکن داده و در اندک زمانی ده پایسته و قرارگاههای شورای نظار بدست پرتوان رزمندگان حزب وحدت اسلامی سقوط کرد .

بنابر این قضاوت یعهده خواننده گان گرامی و ملت آزاده افغانستان است که آیا در همچو فضای تنگ نظرانه و انحصار گرایانه و دامن زدن به بحران اعتماد و پیش سرمایه های دولت برای دسترسی به اهداف شخصی و گروهی امنیت و ثبات در کشور خواهد آمد ؟ اگر جواب نه باشد پس مسئول عواقب تلخ چه کسانی خواهد بود ؟ مسلم است که مسئول کسانی هستند که بجای رسیدگی به مشکلات مردم ، تا «مین نیازها ، جلوگیری از قحطی و تلاش در جهت ایجاد امنیت که حساس ترین رسالت دولت است به تحکیم و دوام سلطه خود می پردازند و انتظار هم دارند که تمام جناحهای سیاسی بدون چون و چرائی دنباله روانها باشند حتی حق اظهار نظر هم نداشته باشند ۱۱ حقیقت آنست که آقایان بر منافع شخصی و گروهی خود می اندیشند و بفکر مصالح و ثبات و مصالح علیای کشور نمیباشند که اینک در طول ۶ ماه اشغال مقامات بالای کشور هیچ کاری جز به نفع شخصی خود انجام نداده اند .

نکته عطف دیگر اینجاست که آقای ربانی و مسعود که خود آغازگر جنگ چهار روزه علیه حزب وحدت اسلامی و جنبش ملی اسلامی شمال و نیروهای منصور نادری است دلیل بروز جنگ را برهم زدن شورای حل و عقد قلمداد کرده اند و طی اطلاعیه ای در پیشاور پاکستان از کلمات نامناسب استفاده نموده که مامیگویم کاسه چینی اگر صدامیکند خود صفت خویش را ادا میکند .

لازمه برهم زدن حل و عقد جنگ نیست و نبوده بلکه موضع گیری اکثریت



دانشگاه برکات

جامعه ی افغانستان از دیرباز ریشه دوانیده اند و هر کدام بر اساس سنت ها و قانونمندی های ویژه ی خود، در فرصتهای مناسب سر بر آورده و موجبات تاءلم مردم محروم کشور را فراهم می سازند.

تصاحب قدرت رسمی - قطع نظر از واقعیت های موجود پشت پرده - در کابل از سوی " مسعود " به همیاری و طرح های از پیش تعیین شده جنبش شمال و حضور سرنوشت ساز جنرال های پشت کرده به رژیم نجیب چونان جنرال دوستم و متحدین سیاسی او، از زاویه های مختلف قابل تاءمل و دقت است ...

ریشه این تحول و موجودیت يك قدرت عظیم نظامی - سیاسی - در شمال که نخستین پی آمد آن سقوط مزار شریف بوده و آهنگ شتاب آلود آن به سرعت پایتخت را در نور دید در درون نظام فرسوده نجیب قابل جستجو بوده و ارزیابی از وضعیت درون - حزبی رژیم نجیب يك بعد اساسی تحلیل از رخداد های اخیر بشمار می آید، چه آنکه پس از خروج نیرو های اشغالگر از کشور، مسیر مبارزه در افغانستان ابهام انگیز گردید و در حقیقت آتش بر افروخته و گداز آن ضد روسی که در سراسر کشور مستقر بود بنه خاموشی گرائید و به حای آن، اخگر های نهفته در خاک ستر تاریخ افغانستان رو به اشتعال نهاده و منتظر کمترین جرقه ای، از يك گوشه ی کشور بود تا شعله ها سوزان و ملتهب آن با اهداف و نشانه گیری های مشخص سراسر افغانستان را در نور دود و نبرد نوینی را در راستای حیات اجتماعی - سیاسی در آلود جامعه بیاورند ...

چنین بنظر می آید که نخستین جرقه را در جهت بر افروختن آتش جنگ های داخلی خود نجیب بر افروخت، زیرا او در دوران حاکمیت غاصبانه ی خود و در مسیر تدام حیات سیاسی خود بسیاری از شگردها را تجربه کرد و آخرین آزمون، که بدان توسل جست بازگشت به سنگری پوسیده ی نژاد پرستی و قبيله گرائی بود که در واپسین لحظات عمر سیاسی خود بدان دست یازید و یکبار دیگر

پرده از منویات شوم و ویرانگر شئونستی در افغانستان که همواره محور حاکمیت حکام جهل پرور بوده است برداشت :

چنانکه میرهن است تازمان اقتدار امپراطوری ابر قدرت شرق و سلطه ی آن بر بخش وسیعی از جهان، کمونیست های دواتشه ی افغانستان، در او هام و خیره سری های جنون آمیز خود غرق بوده و با تئکا، به ماشین جنگی روسها و بیدک کشیدن ایدئولوژی مارکسیسم به تمام ارزشها و آوردهای فکری عقیدتی و سنت های کهن جامعه افغانستان و عنعنات ریشه دار ملی پوز خند زده و هر چیزی را که جز اراده ی کرملین بود، به باد استهزای گرفتند ...

در راستای تندروی های بیمارگونه کمونیست ها، نجیب، در مقام ریاست " خاد " قرار گرفت و خشونت و شکنجه گری را با الهام از دستورات ك - ج - ب، به اوج آن رسانید و جلاد منیشی را طی سالیان اشغال بخوبی آزمود ... در خلال تحولات درون حزبی و ایجاد کودتا های مکرر و جابه جایی مهره های کرملین " نجیب " پنهان از دید توده ها ابزار و امکانات پلیسی و خفقان زای تروریستی را در جهت استحکام پایه های قدرت رژیم به کار بست و پیوند عملگی و جاسوسی او با روسها تعمیق گردیده و در جایگاه مورد اعتماد آنان ارتقاء یافت که باید آخرین سکوی پرش قدرت را در افغانستان احراز می کرد ...

باید یاد آمدن رویدادهای نوین، در درون حاکمیت " شوروی سابق " و طغیان امواج شکننده ی ایدئولوژی رداشی در آن سامان حنای مارکسیسم، در جهان رنگ و روی خود را از دست داد و با فروپاشیدن نظام فرسوده ی مارکسیستی در کشور به اصطلاح شوراهای ۱۱ - تمام روئیا های مزدوران کرملین در سراسر جهان آشفته گردید و این آشفته گی در افغانستان بیش از هر جای دیگر ملموس و روشن بود زیرا همچنانکه گفته آمد مارکسیست های افغانستان با کشتارهای بی رحمانه و جنون آمیز، و روند باطلی که اتخاذ کرده بودند جنایت را در کشور به اوج آن رسانیده بودند و در صورت اضمحلال رژیم کودتائی در کابل جز قتل عام و نابودی کامل و وسیع که نتیجه ی عملکرد غاصبانه آنان بود چیز دیگری در انتظارشان نمی توانست باشد.

رژیم روبه زوال نجیب در کلام چنین بحران گرفتار آمده و اومی خواست که سن بست های تولد یافته در ستر اشغال کشور

را که پشاور ی باند " دموکراتیک خلق " قد بر افراشته بودند شکسته و با توسل به شگرد های ماهرانه ای، مردم افغانستان را مستاصل نماید و به حیات باند تبهار خود تداوم بخشد آخرین برگ برنده در بازی چندین ساله ی نجیب با سرنوشت مردم محروم افغانستان تماشائی و آموزنده است، چه آنکه وی با محاسبات سیاسی خود و درك اوضاع داخلی و بین المللی، در واپسین دقایق حیات سیاسی خود چشم انتظار معجزه ای بود که یکبار دیگر به یاری اوبش تابد و آن معجزه ۱۱ و کرامت سابقه دار در تاریخ افغانستان ۱ جزا ناحیه ی پایگاه معجزه آخرین ۱۱ قبيله ی همیشه حاکم و حمایت بی دریغ قبيله سالاری کرامت ۱۱۱ در ساحه ی تامین منافع " قبیلوی " از جای دیگر نمیتوانست رخ کشوده و اقبال روبه زوال - نجیب و هم پیاله های اورانجات بخشد ...

با چنین بینش و باور است که از پس يك دهه و اندی شعار های دروغین انترناسیونالیستی از سوی مارکسیست ها و نیز فریادهای آتشین اسلام خواهی و اخوت اسلامی ۱ از سوی جناح های مورد تعامل نجیب، روند قبيله گرائی روبه رشد نهاده و جناب نجیب از لابلای درز های اوبه گسترش نظام مضحک مارکسیستی ۱۱ خود ملتسمانه به پشاور و به جناح ها و احزاب مشخص و معینی چشم دوخت و بر اساس قرائین و شواهد عینی و انکارناپذیر با احزابی چون " حزب اسلامی " و حزب سیاف و حزب یونس خالص به توافقهائی در جهت انتقال قدرت به جبهه ی پشتون دست یافت و مترصد فرارسیدن زمانی بود که بایک چرخش تند و ماهرانه در قالب يك کودتا ۱۱ - مانند آن کرسی حاکمیت افغانستان را بر سران قبایل پشتون و اگذار نماید و تار و پود پوسیده و از هم گسیسته ی پشتونیزم را در سپیده دمان پیروزی مردم افغانستان بر کفر و الحاد بـ لـ و ک شرق، پیوند زند و در آستانه ی تشکیل يك حکومت مردمی اسلامی در افغانستان و تنظیم مناسبات داخلی بر اساس عدالت اجتماعی و - اخوت اسلامی ضربه ی نهائی را بر یکسر انقلاب مردم افغانستان فرود آورده و وین قبيله ای و شئونست گرائی خود را به پیشگاه هم پیمانان تاریخی ادا نماید ۱

در راستای منویات " نجیب " بود که فراکسیون های داخلی " باند حاکم " صورت جدی به خود گرفته و آثار و علامت های آن در -



چهره جناحهای پشتون و سایر ملیت های محروم تبارزمی یافت و جنرالها و افراد غیر پشتون و فادار به رژیم متوجه عمق دیدگاههای نجیب گردیدند که در تصفیه های مکرر ارتش و نیروهای مسلح و جابه جایی فرماندهان و جنرال های پشتون رابه جای جنرالها و قوماندانان سایر ملیت های افغانستان به وضوح هرچه تمامتر، هویدا گردید. . . . نخستین واکنش سریع این اقدامات شورش و طغیان گسترده ای بود که از سوی جنرالها و فرماندهان ارشد ملیت های غیر پشتون به وقوع پیوست و پیش از آنکه نجیب کاری از پیش برده و در راه مطامع و اهداف از پیش تعیین شده ی خودگامی بردارد کابل سقوط کرد و در واقع بدست نیروها و ملیت های غیر پشتون افتاد و دقیقاً "همین موضوع است که منشاء جنگهای ویرانگر بعد از پیروزی قرار گرفت .

تاسقوط نجیب تمامی اقدامات انحصارگرایانه سران پشتون در قالب شیوه های به ظاهر موجه و به اصطلاح قانونی صورت می گرفت و پیشاور مرکز عمده این تجمع در تاریخ و جهاد مردم افغانستان است در سایه ی همین شیوه ها بود که طراحان و کارگذاران مسایل افغانستان از دیدگاه " جهاد " و رهبری اسلامی خود را قیم و سرپرست بلا منازع مردم دانسته و نهادهائی چون " شورای مشورتی ۱۱ " و تشکیل دولت موقت و . . . رابه وجود آوردند و حقیقت هرگونه اظهار نظر و رای گیری را از مردم . . . سلب نمودند . . . اما هرچه بود کرامت و وقاحت انحصارگرائی در سایه ی شعارهای " جهاد " و " اسلام خواهی " و در میان جار و جنجال و هیاهوی تصنعی پنهان می گردید لکن پس از سقوط نجیب خواسته ها و بینش های انحصار گرایانه و بعضاً " فاشستی و ضد میهنی در عمل کرد احزاب و گروه های مشخص و معیین " عریان و برهنه ، هم آهنگ با طنین ویرانگر راکت ها در فضای کابل تبارز یافت ، صف بندی ها به گونه ی جلوه دار شد که هرگونه ابهام و تردید را در ارتباط با کسب اقتدار قبیله ای از سوی قبیله سالاران از بین برد . . . کابل در تاریخ حاکمیت خود برای نخستین بار - پس از بیچیه سقا و حکومت غیر پشتون را هر چند ناقص و کم توان تجربه کرد و بهای آن بسیار سنگین تمام شد چه آنکه برای پیش گیری از رشد روز افزون قدرت و توانمندی ملیت های محروم در ساحه ی اداره ی سیاسی کشور و جاگزین شدن قدرت

متحد ملی بجای قدرت يك قطبی این شهر باستانی و کهن تبدیل به جهنمی از آتش گردید و تا مرز نابودی صدر مد به پیش رفت . . . از آنچه گفته آمد وضعیت دولت موقت جناب مجددی و متعاقب آن دولت جناب ربانی به خوبی مشخص میگردد و نیز منشاء شرایط دشوار و پیچیده ای که حکومت های انتقالی رابه محاصره خود در آورده و توان هرگونه کاربرد عملی را از آن سلب نموده است هویدا میگردد .

روزی که دولت اسلامی توسط آقای مجددی در کابل اعلام گردید و طرح های پشت پرده ی نجیب توسط مجاهدین و نیروهای مخالف نجیب در درون رژیم وی ، خنثی شد يك مطلب بسیار واضح و روشن در کابل به وقوع پیوست و آن تصاحب قدرت رسمی به وسیله افراد و گروه ها و جناح های غیر پشتون است چه آنکه " کودتا " ی حزب اسلامی به هدایت و همکاری نجیب خنثی گردیده و ارگانیزم موجود رژیم توسط نیروهای غیر پشتون در ظاهر امر با قطع نظر از تباری های پشت پرده به مسعود و اگذار گردید و در حقیقت جمعیت اسلامی قدرت را در کابل با همکاری ارتش افغانستان که ارکان آن را ملیت های غیر پشتون تشکیل می داد، قبضه کرد و حتی جناب مجددی هم در برابر عمل انجام داده شده قرار گرفته و در پایان دوره ی کوتاه ریاست خود از این امر به تلخی یاد کرد و از طرح های معما گونه و مشغوم پیشاور تا جایی پرده برداشت :

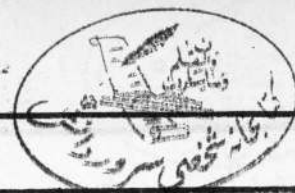
" با آنکه محترم استاد سیاف خود طراح و بنیان گذار فیصله نامه های پیشاور بوده اما بعد از ورود به کشور بجای همکاری با دولت در اطراف شهر کابل مرکز گرفته به تخریبات و تبلیغات علیه دولت آغاز نمود . . . و به همدستی دشمنان خارجی مذهب و ملت مسلمان افغانستان جنگ خانمان سوری را بین اعضا گروه خویش و حزب وحدت اسلامی به راه انداخت و قرار اطلاعات دقیق هنوز هم در حمله ی دیگری بر برادران اهل تشیع میباشد حضرت صاحب ۱ در خلال چنان جو بی اعتمادی کابل را ترک کرد و در دوره ی حاکمیت جناب ربانی غم انگیز ترین لحظات تاریخی کابل آغاز گردیده و دودنوع جنگ ویرانگر در دو جنبه با ابعاد وسیع براه افتاد که چندان هم بی ربط به یکدیگر نمیباشد :

حزب وحدت اسلامی بنمایندگی از تشیع و ملیت محروم هزاره در طرح های پیشاور آگاهانه و عمداً " نادیده گرفته شده و در دولت های انتقالی و موقت هیچ سهمی

برای آنان ملحوظ نگردیده بود و جنبش ملی اسلامی افغانستان که خود دیگر يك واقعیت انکارناپذیر گردیده بود و در واقع بنیاد تفکر نجیب را ویران کرده بود مورد غضب پشتونها قرار گرفت و جناب مجددی این هردو جریان را در دولت خویش سهیم نموده و پیروزی مردم افغانستان را مدیون تلاش آنان دانست ، - در يك چنین موقعیت است که عقربه ی زمان به نفع ملیت های محروم به حرکت درآمده و برای حامیان تفکر پشتونیزم لحظات غیر قابل تحمل بود که تنه راه ممکن را در پیش گرفته و شراره های خشم خود را بی مهابا بر سر شهروندان کابل فرو می ریزد ، - حزب اسلامی حکمتیار پرچمدار جنگ بر سر تصاحب قدرت با جمعیت اسلامی شده و در طول تقریباً سه هفته دوطرف مخاصمه از آخرین توان نظامی خود بهره گرفتند و سیاف در جهت يك نسل کشی بی شرمانه چهار جنگ ویرانگر را علیه شیعیان به ویژه هزاره های کابل سازمان داد، هرچه بود در خلال این جنگها زور ها آزموده شدند و نتایجی که به بار آورد توانمندی های غیر منتظره ی ملیت های محروم - افغانستان است که يك مقاومت کم نظیر تاریخی را از خود نشان داده و ثابت نمودند که زمان به عقب برنمیگردد و آنانی که خواب حکومت عبدالرحمن را در سر می پروراند نباید در شیوه های عملی خود تجدید نظر کنند . . .

این جنگها بالاخره منجر به آتش بست گردید، آنچه در قرارداد آتش بست بین دولت آقای ربانی و حزب اسلامی حکمتیار مشهود بود تا همین خواسته های حزب اسلامی بود که در واقع در متن قرارداد بدستور تحمیل گردیده بود و مهمترین آن خروج نیروهای " ازبك " از کابل است که اساس ترین شرط برقراری آتش بست بشمار می آید، به تعاقب چنین تعهد و قرارداد است که جناب " ربانی " در برابر پیچیده ترین وضعیت سیاسی - نظامی قرار گرفتند چه اینکه خروج نیروهای " ازبك " هم از نظر سیاسی و هم از نظر نظامی غیر ممکن مینمود، اما از نظر سیاسی، او بارها اعلام داشته بود که شبه نظامیان " ازبك " جزو ارتش افغانستان بوده و از ارکان دولت اسلامی بشمار می آیند و از دیدگاه نظامی نیز بر کسی پوشیده نیست که مدافع و در حقیقت ضامن بقا دولت او همان نیروها بودند . . .

جناب ربانی باتأخیر در اخراج نیروهای ازبك از کابل مورد شدیدترین حملات حکمتیار قرار گرفته و نقض کننده



تعلیم و تربیت

برای همه روشن است، که کودکان امروز مردان و جامعه سازان فردايند، باتوجه به اين مسئله که پیشرفت و ترقی يك جامعه بستگی بر فرهنگ و تعلیم آن جامعه دارد، اگر ما امروز در صد آن بر نیایم، فردا چه انتظاری میتوانیم از آن داشته باشیم، يك ذخیره بسیار عظیم را از دست داده ایم، که جبران آن بسیار مشکل بنظر میرسد.

بنابراین تاجائیکه قدرت و توانم کشف دارد و از منابع کمی که در دست دارم مقاله راتحت این عنوان ترتیب داده، خدمت علاقه مندان ارائه نمودم، تا يك گام مثبت شود برای رشد فکری نسل آینده مان.

بنابراین بحث را در سه محور پی می گیریم:

۱- آیدار این زمینه دستوری از اسلام

داریم

۲- مبانی تربیت کودکان و نوجوانان.

۳- هدف های تربیت کودکان و نوجوانان
اما در رابطه با دستور اسلام روایت از ائیمه ما رسیده است " من كان له صیافلیتماب له " اگر واقعاً " مسلمانها به این روایت توجه میکردند، امروز جهان شرق و غرب از ما مسلمانها پیشی نمی گرفتند. چرا که ما پایه شان را داریم این پایه ای که در مکتب اسلام است، هیچ مکاتب دنیا ندارد، مکتب ما بما گفته است که بابچه بازبان خودش صحبت کنید، اگر لازم است که بابچه بازبان خودش صحبت شود، باید قاصه جداگانه، شعری و نوشتار جداگانه داشته باشد، حتی کتابهای مخصوص بخودش را.

مولانا جلال الدین بلخی ۱ در این رابطه شعر زیبایی دارد:

هر که با کودک سروکارش افتاد

پس زبان کودکی باید گشاد (۱)

مقاصفانه در این مورد مسلمین کمتر توجه کرده اند، بیگانگان آمدند همه الگوها را از ما زدیدند ربوند و بردند. خلاصه در رابطه با کودک از دریچه چشم خودش به پدیده نگناه کرد از دریچه چشم کودک، به پدر و مادر نگاه کردن حتی يك جایزه ناچیزیکه پدر برای پسرش می آورد از دریچه چشم او بسیار بارز است.

مبانی تربیت کودکان و نوجوانان:

مبانی ای که در تربیت کودک ضروری بنظر میرسد همان مبانی اسلامی خودمان است البته با بعضی ها اگر مماثل داشته باشد داخل

میکنیم، چونکه ما میگویم ایجاد شوق و رغبت در کودک، غربی ها هم همین را میگویند.

مبنای اول: اتکاء به الله به مثابه مهمترین محور در هدایت و برنامه ریزی های هدایتی ما باید جهان خدامرکزی را به بچه هایا بدیدیم. از هر چیزیکه میگویم، از آسمان، زمین حتی مهربانی مادر حرف مارنگ خدائی داشته باشد
دوم: بالا بردن سطح نیازهای انسان (کودک) بسوی تعالی و تکامل:

سوم: توجه دادن کودک بشرع و دین، تعریف انسان در دین و تعیین راه حلها باتوجه بدین معنی وقتیکه میگویم آزادی خوب است باید حدود مرزش را هم تعیین کرد که تا چه اندازه آزادی خوب است.

چهارم: برخورد با کودک از دو طریق (۱) احساس (عاطفی) (۲) منطقی (عقلی) یعنی انسان يك عقل دارد و يك دل، وقتی کسی مخاطب شان عقل است منطق را بکار برده و آن وقت که مخاطب دل باشد احساس را بکار برد.

چونکه می بینید از نظر احساس دختر قوی تر از پسر است، پسر بالطبع شروتر، گستاخ تر و جسور تر است و از این نظر پسر و دختر هر کدام در جای خودش باید در نظر گرفته شود.

پنجم: برخورد مجموعه ای با تربیت کودک مثلاً " مادر يك بعد خود را متمرکز نکنیم که فقط اخلاق بگویم، کودک خشم دارد، مهر دارد باید این را در نظر بگیریم: کجا خشم خوب است و کجا مهر خوب است.

ششم: بهره گیری از الگوها، از انبیا، اولیا، بزرگان دین " کونوا داعیه الناس بغير السنتم (۲) باید جاذبه و دافعه علی (ع) را در رابطه با کودک بکار بگیریم.

هدف های تربیت کودکان و نوجوانان:

هدف ها را بر این گونه بر می شمیریم که بیشتر مبتنی بر دید مکتب باشد:

۱- شناخت خدا، چنانچه گفتیم که هر چیز به عنوان خدامرکزی از دید کودک در شنگاه شود. در واقع جهان بینی خدامرکزی، که مبدا همه خیرها است، حتی در قصه و شعرو نقاشی.

۲- شناخت خلقت: اعم از محیط خانواده و غیر خانواده محسوس و غیر محسوس آنچه که عقیده من است باید بچه را از سن سه سالگی کلمه " لا اله الا الله " را به او یاد داد و در نزد يك به چهار سالگی محمد (ص) رسول الله را و از چهار سال و اندکی صلوات را برایش آموخت

ما بر اساس روایات مان بر این مسئله معتقدیم که میشود بر بچه این جریانات را آموخت، امروز علم هم تأیید میکند که آذان و

اقامه که در گوش بچه خوانده میشود بسی تأثیر نیست، شاید روزی می خندند به این عمل ما ما علم ثابت کرده است (۲) پس باید اینها کلاً " برای بچه آموزش داده شود با همان شکل و ارتباط خودش.

۲- شناخت خویش " من عرف نفسه فقد عرف ربه " باید بچه خودش را با امکاناتش بشناسد اگر بچه بشناسد که از اعضا و جوارح شان حتی همین کوچک ترین دست شان چه کارهای بارز بر می آید، چه توانائی هائی میتواند از این دست داشته باشد، دیگر این را در غیر صلاح و صواب بکار نمی برد، اگر بچه بدانند از چشم چه استفاده های مثبت در راه رشد و تکاملش بکار میبرد دیگر در راه سوء بکار نمی اندازد.

ما اولیا، پدر، مادر مقصر هستیم که به بچه نیاموخته ایم از این چشم، دست و پایت و... چگونه استفاده میتوانی بکنی و باید و باید این عمل را انجام دهیم.

دکتر مظلومی در این رابطه خیلی تأکید دارد که معرفی خویشتن به بچه و شناخت خلق، مردم، رفتارهای مردم از دریچه چشم کودک رفتار آدم با مردم چگونه باشد، و بطور حق و ناحق را آدم تشخیص بدهد ضروری علاوه بر دستورهای اسلامی که برای بچه از دوران جنین اهمیت قایل است، حتی منع میکند مادر از خوردن غذای حرام و شبهه ناک، اکثر روان شناس های دنیای امروزی که بایک متدلوژی دقیق بررسی کرده اند، اتفاق نظر دارند که تربیت یابدا از جنین شروع بشود روان شناسی ژنتیکی یکی از مکاتب پیشرفته و مهم در علم روان شناسی میباشد، نیز روی این مسئله خیلی تکیه کرده که در اینجا گنجایش ذکر آن نیست.

انسان در دوران خردسالی مواد خام است قابلیت هرنوع تربیت درست و سالم را دارد. مانند خاک سیمان که همراه آب (تر) شود تا دوباره خشک نشده، هرنوع قابلیت را برای ساختن دارا میباشد. وقتیکه خشک و پخته شد دیگر امکان ندارد که طبق دل بخواه خودمان از او ساختمان بسازیم.

مولوی! مثلی می آورد " راجع به اینکه هر چه انسان بزرگتر میشود، صفات او قوی تر و ریشه دارتر میگردد.

میگوید: " مردی خاری را در معبر مردم کاشت و مردم از این بوته خار در رنج بودند، او قول داد که سال دیگر آنرا بکند و سال دیگر نیز کار را بسال



موقعیت زن در جوامع بشری

یادداشت اداره :

خواننده گان گرامی مقاله زیر
تحت عنوان (موقعیت زن در جوامع بشری)
حاصل یک سلسله زحمات ، پژوهش
و تحقیقات خواهر " سیمین قاسمی " است که
جهت نشر بمارسال داشته است و ماصرفا
باتغییر عنوان بدون دخل و تصرف عینا
بچاپ سپردیم که از نظر تان نیلا " میگذرد :

مظلومیت زن قبل از اسلام :

در تاریخ حقوقی زن در کلیه نقاط
جهان قبل از ظهور اسلام دودوره متمایز
را میتوان یافت .

۱- دوره وحشیگری و بت پرستی : در این دوره
زن بهیچ وجه بعنوان انسان شناخته نمیشود
بلکه بامنتهای خشونت باوی رفتار میکنند
اورا جز غلامان ، چهارپایان بارکش و سودمند
قابل خرید و فروش می دانستند و مردمی توانست
زن خود را بفروشد ، قرض یا کرایه و یا هدیه
دهد و در برابر کوچک ترین بهانه اورا به درخت
ببندد و شلاق بزند ، مشکلتین و سنگین ترین
کارها به عهده زنان است و تنهارا ه نجات زن
خودکشی است .

۲- دوره تمدنهای یونان ، مصر ، روم و ایران :
در این دوره که ادیان توحیدی و افکار عالییه
مصلحین موجب ظهور تمدن شده ، زن از نظر
مادی و فردی کم و بیش جزو انسانها بحساب
آمده و بتدریج شریک زندگی مرد گشته ولی
از نظر معنوی و اجتماعی اورا انسان نمیدانند
و برایش شخصیت حقوقی قائل نیستند و از هر
جهت تابع اراده مرد است .

مظلومیت زن استرالیائی :

در استرالیا زنان مانند حیوانات اهلی بودند
و به هنگام قحطی آنها را می کشتند و گوشت
آنها را می خوردند ، زنان حق نداشتند با شوهر
خود سربیک سفره غذا بخورند ، باید صبر کنند
اول شوهرشان غذا بخورد و سپس شود سپس
زن با اجازه وی باقیمانده غذای شوهر را
بخورد ، آنها معتقد بودند که زن برای مرد
آفریده شده و باید تابع و پیروی چون و چرای
مرد بوده از خود استقلال نداشته باشند .

مظلومیت زن در یونان قدیم :

در بیشتر تمدنهای کهن مانند روم و یونان
زن شخصیت حقوقی و اجتماعی نداشته و جزو
کالا های تجارتی محسوب و در بازارهای خرید
و فروش می شدند و شوهر می توانست زن خود
را به هر که میخواست قرض بدهد و یا بدوستان
خود ببخشد .

بعدا " زن بعنوان عنصری زایا
و رضا کننده شهوات بوده ولی بهیچ وجه
شریک زندگی مرد محسوب نمی شد ، چه اورا
دارای قوای کامل بشری نمیدانستند و بیشتر

متفکرین معتقد بودند که زن دارای روح جاوید
انسانی نیست و بدین جهت حق ندارد بعد
از وفات شوهرش زندگی کند .

مظلومیت زن یهودی :
یا ایها الذین آمنوا لعلکم ان تراثوا نسا

زن در یک خاندان یهودی مانند روم جزئی
از فامیلیا ، بود یعنی مانند دارائی ، مستغلات
و برده گان جزئی از ارث پدر بشمار می آمد
و خاندان از زنان ، برده گان ، گاو و خمران
تشکیل می شد تولد یک پسر جشن و سرور به
دنبال داشت ولی تولد یک دختر غم و اندوه به
همراه می آورد .

اسلام باآیه فوق از سوره نسا این سنت
ظالمانه را از میان برد (۱)

مظلومیت زن مسیحی :

در انجمن های مسیحی ایتالیا و اسپانیا پس
از مطالعات فراوان معتقد شدند که در میان
زنان دنیا به شخصاً " حضرت مریم انسان بوده
و دارای خلود روح است و سایر زنان صفت
انسانی نداشتند ، روحشان جاوید نیست بلکه
برزخ میان انسان و حیوان است .

مظلومیت زن در هندوستان :

در قوانین قدیم هند آمده است :

وبا ، مرگ ، دوزخ ، زهر ، افعی ، آتش بهتر
از زن است . در هندوستان وقتی شوهری میمرد
زنش را زنده زنده همراه با جسد شوهر می
سوزانند و قبائل وحشی دختران خود را می
کشتند چون آنها را مایه ننگ می دانستند .

مظلومیت زن در عربستان :

مظلومیت زنان عرب قبل از اسلام اسفناک
تر از سایر نقاط جهان بود ، چه آنها حق حیات
هم در این جهان نداشتند و بیایست زنده
به گور شوند که خداوند دوباره آنها میفرماید :
" هنگامیکه به یکی از آن مژده فرزند دختر
داده میشد رنگ از رخسارش سیاه می گشت
و خشمناک و دل تنگ می گردید و از بیدی آن خود
را از مردم مخفی می کرد و در این اندیشه بود
که دختر را با خواری نگهدارد یا آنرا در خاک زنده
به گور کند چه بد فکری کردند (سوره نحل)

اسلام نجات دهنده زنان جهان :

در عصری که زنان را انچنان تحقیر می کردند
که صلاحیت شرکت با مردان در کارهای
اجتماعی را نداشت اسلام زنان را همچون
مردان در کارهای اجتماعی شرکت داد و فرمود
والمؤمنون والمؤمنات اولیا بعضی بامرون
بالمعروف وینهون عن المنکر .

مردان و زنان باایمان همیار یکدیگرند (و بریک
دیگر نظارت و سرپرستی داشته) امر بمعروف
و نهی از منکر میکنند .

مظلومیت زن در عصر جدید :

با ردیگر دست استعمار مظلومیت نوینی را برای
زن به ارمان آورد و این بار بنام آزادی زن به
زن ظلمها کردند و وی را از آن مقام شرافت
و معنویت و عزتی که اسلام با نهاد داده بود
پائین آوردند و از آنها عروسی برای تبلیغات
و فروش کالا های خود و مصرف آنها و وسایل
آرایشی و زینتی ساختند .

کانون گرم خانواده از هم پاشید و زنان
را در فروشگاهها همچون مانکن وسیله جلب
مشتری و دریافت پول بیشتر و ابزار دست
سرمایه داران قرار دادند و مدل عصر جاهلیت
امروز زن دوباره مظلوم شده چرا ؟؟؟؟؟ .

فلسفین اشغالی در ستانه

در شرایطی که جلسات با مصطلاح
صلح در قضیه اعراب و اسرائیل در آمریک
حریان دارد ، یا سرعراقات رهبر سازمان آزادی
بخش فلسطین طی مصاحبه ای اعلام داشت .
" که وی نگران از یک معامله دیگری مانند
کمپ دوید که مصر پیمان صلح با اسرائیل
امضا کرد می باشد " بنظر وی احتمال دارد کشور
های دیگری از اعراب که مناقشات مرزی
با اسرائیل دارد بطور جداگانه دست بحل
قضیه بزنند . این موضوع از طرف نخست
وزیر اسرائیل نیز اعلام شده که وی در صدد
ایجاد پیمان صلح با عده ای از کشورهای عربی
می باشد ، درین حال احزاب و سازمانهای
اسلامی در لبنان و فلسطین که بدور از معامله
گری و دیپورگی سیاسی است بر تشدید
عملیات خود علیه اسرائیل افزوده است .

(اداره طلوع وحدت)

بقیه از پیرامیت و ثبات ...

تنظیم های جهادی و مخالفت قسمت اعظم
ولایات و نامساعد بودن اوضاع جوی کافی بوده
همه میدانند که با چنین وضعی دایر شدن شوری
ناممکن است ، پس چه ضرورتی به ایجاد
درگیری بوده ، اگر قرار بر این باشد که
آقای ربانی بخواهد بطور فرمایشی بدون
مشارکت و حضور اکثریت قاطع مردم و جناحهای
سیاسی شورای دائر نماید مسئله جداگانه
است که عواقب آن را نیز خود دانند .%

پایان

حوزه‌های علمی در سانه‌های تحول

ارمدها قبل نظری درباره تحول نظام حوزه های علمی مطرح بود و خیلی ارزشمیت های علمی خواهان تغییر در سیستم نظام حوزه ها بودند، باتوجه به آمال و آرزوهای که درین باره وجود داشته و نظریه چشم های امیدواری که برای رسیدن بآن لحظه شماری کرده اند مسئولیت سنگین مدیریت و دست اندرکاران حوزه ها را بیشتر ساخته ، بخصوص که رهبر معظم انقلاب اسلامی " حضرت آیت الله خامنه ای (در نامه مهم خود به اعضای محترم جامعه مدرسین این حرکت را یکی از آرزوهای بزرگ درباره حوزه های علمی قلمداد کردند" معظم له در قسمتی ازین نامه فرموده اند : " خدای عزیز و حکیم را سپاس گذارم که به یکی از آرزوهای بزرگ درباره حوزه های علمی جامه عمل پوشانید و در ظل عنایات

حضرت ولی الله اعظم روحی فداه، سرآغاز مبارک برای تحول دیرپائی که همواره نیلک خواهان و روشن بینان جامعه روحانیت ، آرزو مندانه بدان چشم دوخته بودند پدید آورد " مدیریت نوین حوزه با چنین توقعات بلندی کار خود را آغاز میکند تا بدین وسیله گنجینه عظیم حوزه را به سطح شایسته ای از بهره دهی برای اسلام و مسلمین برساند که به تحقیق چندین برابر بهره دهی کنونی است " رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانات خویش در ماه شعبان گذشته از میان همه علل و عواملی که حرکت حوزه را کند نموده است بر عامل " مدیریت " انگشت گزاشده فرمودند : " من روی این علت خیلی فکر کردم و آن این است که حوزه اولین چیزی که هر موءسسه علمی با این عظمت باید داشته باشد، یعنی یک دستگاه مدیریت مشخص

و منظم و منسجم ندارد " و سپس در طول ماههای اخیر شکل مطلوب مدیریت و شرایط مدیر حوزه را تبیین نمودند .

روزنامه جمهوری اسلامی نظر معظم له را چنین بیان داشته " مدیر حوزه باید از فضلی حوزه باشد چرا که بدون " وجهه علمی " دشواریهایی بوجود خواهد آمد در مرحله اداره حوزه ۳ نکته اساسی باید رعایت شود .

- ۱- اختیارات کافی برای مدیر .
- ۲- مدیریت حوزه را بعنوان کار اصلی خود تلقی کند و هم همه توان و وقت خود را برای آن بکار گیرد .
- ۳- این مسئولیت برای زمان محدودی مثلا " سه سال بعهد یک مدیر سپرده شود " (از اداره - منبع ماخذ روزنامه جمهوری ۱۰۰۰)

مسجد قدیمی و باستانی باری در هند

طبق گزارش خبرگزاریهای جهان مسجد قدیمی و باستانی باری مسلمانان در هند توسط هندوهای افراطی تخریب و قصد دارند بجای مسجد مذکور معبد اعمار نمایند، گفته میشود پلیس ایالت مذکور در حفاظت آن سهل انگاری نموده ، در همین رابطه یک مقام مسئول در ایالت مذکور از مقام خود استعفی داده . درین حال مسلمین جهان در کشورهای اسلامی و هندوستان واکنش خشنوت باری از خود نشان داده و تاهنوز حدود ۶۰۰ تن در هندوستان در اثر ناآرامیهایکه بدین مناسبت پیش آمده کشته شده ، در کشورهایی همچون پاکستان ، ایران ، بنگلادیش ، افغانستان تظاهرات گسترده ای- جریان دارد، در اثر دستور مقام معظم رهبری جمهوری اسلامی ایران بوزارت امور خارجه آنکشور بدولت هند ابلاغ گردیده که قضیه تخریب مسجد باری مربوط به گوشه خاصی نیست و این عمل قلب مسلمانان را جریحه دار ساخته فوراً " باید تعمیر شود . همچنین نخست وزیر پاکستان و بنگلادیش نیز این عمل را تقبیح نموده .

ماجرای مسجد باری از مدت های زیاد است که در هندوستان مطرح بوده ، بنظر می رسد جریان از سوی بعضی محافل استکباری به منظور بهره برداری سیاسی دامن زده میشود هندوهای افراطی بر اساس نوشته یک مورخ - انگلیسی معتقد اند که محل مسجد باری جای تولد خدای هندو ها بوده ، خبر می افزاید که تاهنوز هندوهای افراطی مسجد را در کنترل دارد

پایان

سازمان تعاون اقتصادی

چندی قبل وزرای خارجه کشورهای عضو سازمان اقتصادی " اکو " که متشکل از جمهوری اسلامی ایران ، ترکیه ، پاکستان ، افغانستان و وزرای خارجه کشورهای مسلمان تازه آزاد شده از چنگال کمونیسم آسیای میانه وارد اسلام آباد پاکستان گردیده و سازمان اقتصادی " اکو " را وسعت بخشیده - افغانستان و بعضی از کشورهای دیگری را بعنوان عضو جدید پذیرفتند .

درین اجلاس مدار فعالیت سازمان " اکو " را در عرصه های اقتصادی ، سیاسی فرهنگی و ... مطرح و تصمیماتی اخذ و برای اجلاس آینده تعیین وقت گردید .

در اینکه تقریباً " همه کشورهای عضو سازمان در جهت تاءمین نیاز مندیهای کشور مطبوع شان به همدیگر سخت محتاج است جای شک و تردیدی نیست که بایک نگاه مختصر میتوان دریافت که هر کدام بنحوی در معادلات با تراست ها و کارتل های غرب زیر بار معادلات سیاسی قرار گرفته که در نتیجه ستم آن بر پیکره ملت های ضعیف این کشورها وارد گردیده و میگردد . لذا چنانچه سازمان اقتصادی " اکو " تقویت یابد و بنحوا حسن در پیش برد آن همکاری شونده تنها کشورها و ملت های اسلامی و آسیائی از استثمار و بهره کشی و بهره دهی غرب استقلال و خودکفائی خواهد داشت ، بلکه در آینده نه چندان دور به عنوان یک قدرت عظیم اقتصادی که تاثیر مستقیم سیاسی راهمراه خواهد داشت در منطقه بروز نموده قدرت اقتصادی و سیاسی غرب در برابر آن سرفرو خواهد آورد ، زیرا اولاً " مواد خام از قبیل نفت از آن کشورهای اسلامی است ، دوماً " غرب دهها کشور مصرف کننده مواد و کالای شان را از دست خواهند داد ، بنا " بر تمامی کشورهای عضو است که در جهت رشد و گسترش و فعال ساختن این سازمان بیشتر بکوشند .

پایان

افغانستان در يك نگاه

شرایط صلح بشمار می آمد، که ائتلاف وقت از سوی ربانی وتعلل در اخراج نیروها هیچ ثمره ای معین سیاسی به بار نیاورده و بالاخره مجبور شد که علی الرغم خواسته ها و ادعاهای پیشین خود ۰۰۰ به شرایط منعقد در قرار داد آتش بست گردن نهاده و اخراج نیروها را آغاز نماید ۰۰۰

باتوجه به وقوع جنگهای ویرانگر در کابل، اینک اذهان عامه ی مردم افغانستان در برابر یک پرسش مهم قرار گرفته است و آن اینکه با آن همه سرسختی و مقاومت که آقای ربانی در برابر حکمتیار از خود نشان میداد بیک باره تسلیم گردیده و عملاً " از خواسته های خود دست برداشته است ؟

پاسخ این سؤال را باید در لابلای صفحات مکرر تاریخ افغانستان به جستجو گرفت چه اینکه حوادث فعلی بریده از جریانات تاریخی نیستند و تاریخ چنین می آموزد که در افغانستان قضایا و جریانات سیاسی همواره به گونه ای تنظیم یافته اند که در جریان تحولات اجتماعی- سیاسی بالاخره سراز حاکمیت بی چون و چرای قوم پشتون در آورده و سلطه ی همه جانبه آنان را بر تمامی ملیت های محروم وطن تضمین کند، در زمینه ی طراحی و پایه ریزی تمهیدات و مقدمات عینی که نتیجه ی منطقی و قطعی آن حاکمیت این قوم باشد و بس، سخن فراوان است و شواهد زنده و ملموسی موجود است که تفصیل آن مجال دیگری را خواهان است در این نوشته تنها به یک بعد آن اشارت رفته و از زاویه ی خاصی به مسئله توجه می گردد .

تابه مردم رنج دیده ی افغانستان همداری باشد آگاهی بخش، که عدم صراحت و عدم حضور فعال در تعیین سرنوشت و بی توجهی به اصول و مبانی ملی و اسلامی نتایج درخشانی در پی نداشته و هیچ تضمینی نیست که یکبار دیگر کشور به کام دیکتاتوری قبیلوی کشانده نشود، خوب است که جناب " ربانی و مسعود " هم به خود آمده بدانند که صراحت و قاطعیت در راه تا مین مصالح عامه ملی و سهیم نمودن تمام ملیت ها را در تعیین سرنوشت آنان تنها راه برقراری صلح و عدالت و امنیت در کشور است ۰۰۰

شیوه های که سران قوم پشتون برای حاکمیت مستمر خود داشته اند و شیوه ی — مشخص است .

۱- توسل به زور و تجاوز آشکار به حقوق ملیت های که پاسداران اصیل تمدن و فرهنگ کهن خراسان زمین بوده اند و هتاکای بی حرمتی و جسارت به تمام ره آوردهای فکری، فرهنگی مردم افغانستان و تخریب و کشتار و ویرانی های وسیعی که از خود به یادگار گذاشته اند که صفحات سیاه تاریخ گواه روشن آن — بوده و بسط شرح آن نیاز به سخن جداگانه دارد .

۲- چون زور همیشه پایدار نیست و افکار عمومی جهانیان در جهان معاصر کاملاً " در جهت زور زدائی حرکت نموده و جهان شاهد تحولات عظیم بوده است و دموکراسی بعنوان یک شعار جالب و انگیزاننده در میان اقوام و ملل دنیا طنین انداز گردیده است و چهره های زشت و قبیح دیکتاتوری جای خود را به دموکراسی سپرده است، در افغانستان نیز حکومت گران، شیوه ی دیگر را که مکمل شیوه ی نخستین است اتخاذ نموده و بدان متوسل شده است و این شیوه همان دموکراسی مآبی است که از عهد ظاهر خان " رنگ و روی اسمی بخود گرفته و اسارت مردم افغانستان را به گونه نوین و دمساز با شعار دموکراسی، به بار آورده — است . حکام افغانستان، در انطباق مفهوم دموکراسی بر مصادیق عینی آن، شگردهای ماهرانه ای از خود نشان داده اند، چون در دموکراسی رای اکثریت قاطع ملاک است و آنان در تنظیم اکثریت ها که ضامن تداوم حکومت سران قبایل پشتون باشند، به حق شیاء دانه عمل نموده و به تمام جنایات هولناک خود صیغه و رنگ قانونی بخشیده اند چه اینکه در تمام نهادهای رسمی و معتبر کشور به مانند " پارلمان " که نام " ولسی " جرگه را به همراه خود یدک کشیده است و نیز در افغانستان همواره متکی به همین اصل بود و همواره شکل قانونی به حاکمیت ستم گستر داده است .

سؤال اساسی اینجاست که این اکثریت ها از کجا پدید آمده اند ؟ جواب این سؤال در تحقیق و تدقیق پیرامون واحدهای اداری کشور، چهره کشوده مبرهن میشود که اکثریت های پارلمانی و جرگه ای در کشور ناشی از تقسیم ظالمانه ی ولایات و ولسوالیها است ۱۱

که از باب نمونه ولسوالی " ناوه " یا ولسوالی جاغوری مقایسه شود کافی است که مدعای فوق را مدلل سازد، چه اینکه در ولسوالی " ناوه " شاید بیش از هشت هزار جمعیت نباشد حالانکه در " جاغوری " انبوه جمعیت دهها هزار نفری وجود دارد، پس بر اساس تنظیم ولسوالی ها از هر ولسوالی یک نماینده به پارلمان راه می یابد و پیرامون است که در چنین وضعیت اکثریت بابرادران پشتون بوده و رای هابه نفع آنان انبار میشود .

در طول جهاد " مردم افغانستان " امور مربوط به " جهاد " که در پیشاور حل و فصل میگردد باز هم از همین " تر " تاریخ می متابعت شده و اکثریت حزبی مطرح گردیده است که همین اکثریت حزبی منتج اکثریت هادر " نهاد " های به وجود آمده در خلال " جهاد " است، در تشکیل شورای مشورتی و شورای " جهادی " و شورای " قیادی " و حتی در تعیین هیئت های صلح ۱۱ در ارتباط با جنگهای اخیر داخل اکثریت ها همواره از قوم پشتون بوده و کاربرد عملی چشم گیری در امور افغانستان داشته و دارد ۰۰۰

وجود احزاب هفتگانه در پیشاور گواه روشن بر مدعاست زیرا در میان این احزاب (که در مجموع تعیین کننده ی مسایل رسمی کشور بوده اند) اکثریت قاطع حزبی با قوم پشتون است و از همین جا اکثریت هادر نمودار های رسمی خود منشاء گرفته و چنانکه گفته آمد در عمل تجربه شده است .

این دوشیوه ی شخصی که از سوی برادران پشتون اتخاذ گردیده است، در تحولات اخیر بیش از هر زمان دیگر، نقش خود را ایفا خواهد کرد .

پس اگر جناب ربانی و مسعود با شیوه عدم صراحت ۱۱ که در پیش دارند تحت تاثير جو حاکم بر مقدرات کشور = مجبور به عقب نشینی میشوند، ریشه ی آن را در توجیه قانونی مسایل به نفع اکثریت های حزبی و مشورتی که از پیش طراحی شده اند باید جستجو کرد و نمونه عینی آن را در تنظیم مواد آتش بست که از سوی هیئت صلح که با اکثریت قوم پشتون در آن لحاظ شده است و منجر به اخراج نیروهای شمال از کابل گردید به وضوح میتوان دید .

انقلاب اسلامی باید این نکته ی عمیق را به مردم و ملیت های محروم افغانستان بیاموزد که در تنظیم مجامع تصمیم گیری و مشورتی با دیگر اکثریت های از پیش تعیین شده که ماموریت ویژه ی تاریخی دارند

نباید بر مردم افغانستان تحمیل گردیده و گذشته های تلخ تکرار گردد، خوب است که تمامی احزاب و نماینده گان اقوام و ملیت های محروم افغانستان به اکثریت مردمی روی آورده و اصالت رابه مردم افغانستان بدهند و در این مسیر صراحت و قاطعیت تنها سلاح برنده و پیروز خواهد بود و امید است که در " شورای حل و عقد " که در آینده تدویر و مسئولیت خطیر حل و عقد مسائل اساسی کشور را بر عهده می گیرد، اکثریت های تاریخی ۱۱ ایفاء نقش نکرده و به تناسب نفوس و جمعیت موجود کشور چنان شورای بوجود آید که بر اساس اکثریت مردمی سرنوشت مردم را رقم بزنند و گرنه امثال جناب ربانی و " مسعود " در مراحل بعدی شاید مجبور شوند که بخشی وسیع از مردم افغانستان رانه تنها از کابل که از کشور هم خارج بکنند ۱۱ و از مجریان خوب و سربراه تفکر انحصار گرائی در وطن باشند ۱۱ که چنان مباد .

پایان

پاورقی :

(۱) بیانیه حضرت صاحب مجددی ممثل دولت اسلامی افغانستان .

بقیه تعلیم و تربیت کودکان و ...

بعد موقوف کرد، وسالهای بعد نیز به همین ترتیب عمل کرد . از طرفی درخت سال بسال ریشه دار و قوی ترمی شد و از طرف دیگر خود او سال بسال ضعیف ترمی گردید . یعنی میان رشد درخت و قوت او نسبت معکوس برقرار بود . حالات انسان نیز مثل خار بن و خار کن است روز بروز صفات در انسان ریشه های عمیق تری پیدامیکنند و اراده انسان را ضعیف ترمیکنند قدرت یک جوان در اصلاح نفسی خود از یک پیر بیشتر است .

خار بن در قوت و بر خاستن .

(۳) خار کن در سستی و در کاستن

خلاصه : بر همه معلمین ، مربیان ، اولیاء پدر و مادر هستند چه در محیط خانه و چه در محیط مدرسه در قبال کودکان مسئولانه عمل کنند، مواد لازم را که در خور کودک باشد برایش ارائه نمایند، یک نهال است، نهال را نمیشود که باتیشه راست کرد و یکا کاملاً از ش بی تفاوت

بود، چیزی که در رشد یک نهال مؤثر است دادن آب و کود مورد نیاز است . حدیث از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که میفرماید " کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة " یعنی همه شما بمنزله چوپان هستید که نسبت به گله خود مسئولیت دارید .

پایان

پاورقی ها .

۱- دیوان مولانا جلال الدین بلخی .

۲- دکتر علی محمدی استاد تربیت مربی دفتر

تبلیغات قم .

۳- ار کتاب تعلیم و تربیت استاد مطهری

ص ۷۹



قابل توجه خواننده گان گرامی :

اداره نشریه در قبال موضع گیری

مقالات آزاد مسئولیت ندارد .

میدان هوایی یکا و لنگ آبکار خرب وحدت اسلامی عمار و مورد بهره - برواری قرار گرفت .

میدان هوایی یکا و لنگ به سرمایه حزب وحدت اسلامی اعمار و آماده بهره برداری میباشد .

طبق گزارش خبرنامه حزب وحدت اسلامی

میدان هوایی یکا و لنگ که به سرمایه حزب

وحدت اسلامی اعمار گردیده آماده بهره

برداری قرار گرفته ، این فرودگاه که بوسعت

تقریباً ۳۷۵ متر طول و ۳۷۵ متر عرض بوده

برای هرنوع پرواز آماده میباشد .

منبع خبری می افزاید که میسیدان

هوایی مذکور باتلاش و زحمات انجمنیان

متعهد و کارگران زحمتکش بدون هیچگونه

کمک دولت و موءسسات خیریه ساخته شده

که جاه دارد از این ایثارگری برادران دست

اندر کار قدر دانی شود .

در اخیر خبرنگاری بی سی سوال کرد که شما چه نظری برای حل این مشکل دارید ایشان گفتند " که بنظر ما باید حداقل چهار ماه دیگر وقت لازم است که افسراد کمسیون در تمام ولایات بروند و مسایل را توجیه کنند و نماینده ها انتخاب شود و به کابل اعزام نمایند و مسئله ریاست دولت را هم باید شورای قیادی که درین شرایط تنها مرجع قانونی در افغانستان است بایست

کدام کس دیگر را بعنوان رئیس جمهور برای

یک دوره چهار الی پنج ماهه تعیین نمایند "

کار اعمار یک شفاخانه ۲۵ بستری در یکا و لنگ به تمام رسید .

طبق گزارش منابع خبری حزب وحدت ۲۰۰۱

یک شفاخانه ۲۵ بستری باتلاش قابل قدر

مسئولین حزب وحدت در یکا و لنگ ساخته

شده که با کار مکمل فنی آماده خدمت بمردم

قرار گرفته .

آقای استاد مزاری دیگر خرب وحدت اسلامی دایر شدن شورای حل و عقد را ...

در تاریخ ۱۰ ۹ ۱۳۷۱ خبرنگاری بی سی با دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان استاد مزاری در رابطه باتشکیل شورای اهل حل و عقد مصاحبه نموده که استاد مزاری در این گفتگو اعلام داشت که ما " شورای اهل حل و عقد را قبول داریم و نماینده های ماهم در کمسیون این شوری است ولی قرار معلوم در خیلی از ولایات کمسیون ها نتوانسته اند بروند مثلاً " در قندهار اصلاً " قبول ندارند آنها لویه جرگه میخواهند و در ارزگان و پروان و ولایات شمال تاهنوز نماینده ها نپذیرفته اند و با این زمان کوتاه امکان ندارد که برای ولایات توجیه شود و آنها نتوانند نماینده های خود را در کابل بفرستند علاوه بر اینکه اوضاع جوی و اقلیمی کشور که فعلاً " زمستان است و هو سرد و برف و باران جریان دارد و وسایل ارتباطی و حمل و نقل خیلی کم است مشکل است که صورت بگیرد "



مصابه حضرت آیت الله فاضل بارادیوبی بی

تاریخ ۱۳۷۱/۹/۲۱ - حامد علمی خبرنگار بی بی سی طی گفتگویی با آیت اله فاضل نماینده حزب وحدت اسلامی در شورای رهبری چنین گزارش میدهد:

آیت الله فاضل نخست از علت درگیری های اخیر سخن گفت که " علت درگیری، تشنج هائی بین رزمندها که از گروه های مختلف اند، این تشنجهای سابق بین اینها بوده اند چون وزارت دفاع رزمنده های بقیه احزاب سهم موثر و مهمی ندارند که از طرف وزارت دفاع میرفت، بقیه رزمنده ها چندان مورد قبول نبود، لیکن علت اخیر که با اصطلاح جزع، علت تامه این مسئله حساب میشود همان کمین خوردن نیروهای فرقه (۸۰) بود که از آنجا جنگ شروع میشود و برادران شورای نظار که تحت عنوان وزارت دفاع بودند اینها شروع میکنند بدست گیری مطلق مردم هزاره چه آنهایی که از فرقه (۸۰) بودند یعنی اسما عیلی ها و چه آنهایی که از حزب وحدت اسلامی بودند و قتی که اینها را گرفتند طبعاً " تشنج بین رزمندها زیاد شد درگیری هم بین فرقه (۸۰) و وزارت دفاع بود صورت گرفت بعد این هم وسعت گرفت و بیست حزب وحدت و شورای نظار هم متأسفانه

برور کرد.

خبرنگار: در آخرین جنگ های اخیر مثل اینکه پایگاههای حکومت و اطراف سیلوم مرکز تولید نان در غرب شهر کابل بدست نیروهای حزب وحدت اسلامی افتاده آیا شما برای سهم دادن این پایگاهها در این مناطق کدام تدابیر گرفته اید؟

جواب: شورای رهبری مصوبه داشتند قبل از یکماه و بنابراین شده که راهپایه حزب ۰۰۰۱ باز کنند و آنها گفته بودند که عدالت در توزیع باید رعایت شوند و ما همین حرف را حرف درستی تلقی میکردیم و مصوبه هم شد که از هر گروه يك نماینده با صلاحیت حاضر شود و نظارت کنند، در توضیح مواد خوراکی و مواد سوختی، امامت، سفاهه تاهنوز جامه عمل نپوشید و حال بنده معتقدم که همین مصوبه عمل شود یعنی سیلوراهمین هیئت مشترک که همه احزاب زیر نظر بگیرند و اداره کنند و عدالت را در توزیع مراعات کنند.

خبرنگار: قرار بود که شورای اهل حل و عقد در غرب شهر کابل دایر شود و این منطقه بدست نیروهای شما افتاده آیا شما اجازه میدید که شورای در همان جای معینه شان دایر شود؟

جواب: اینجاسابق هم دست حزب وحدت

بود و از خود آماده گی نشان داده بود و حالا هم هیچ مانع از طرف حزب وحدت در این قسمت نیست اگر بتوانند نماینده های ملت جمع شوند و آنها هم مانع های همه هستند، حزب وحدت با آمدن آنها هیچ مسئله ندارد و هنوز هم کمک و احترام خواهد کرد.

خبرنگار: در ساجات که حزب وحدت اسلامی در کنترل دارد، آیا در آن مناطق نمایندگان مردم انتخاب شده اند برای شورای اهل حل و عقد؟

جواب: هنوز که بما گزارش نرسیده و گمان میکنم که کاری درستی صورت نگرفته و موانع طبیعی هم خیلی زیاد است از جمله خودتان هم شاهد هستید که برف سنگین در آن مناطق الآن آمده و میرزمینی وجود ندارد تا اینکه راههای سابق هم بسته بودند که بعضی احزاب نمی گذاشتند آمدن مردم مناطق حزب وحدت را، حال که موانع طبیعی برف و ۰۰۰ آمده دیگر فضای جوی هم درست نیست که آنجا هواپیما، هلیکوپتر هم رفتن شان مشکل است دارند و دارند و من بعید میدانم که همه بتوانند در این فرصت کوتاه شرکت کنند.

۱۳۷۱/۹/۲۰

میلاد با سعادت حضرت فاطمه (س)

خطاب است — ارزنده ترین زینت — حفظ حجاب است.

ظاهر شدن زن در اجتماع با حجاب اهمیت و وقار و عظمت او بیشتر روشن میشود حرف و کلام او بیشتر تاثیر دارد، بی حجابی زن بیشتر بیانگر سبکسری و بی ارزشی او است که حتی خودش برای خودش اهمیت و عظمت قایل نیست.

زنان جامعه ما اگر میخواهند بحقوق سیاسی شان برسند و عظمت و شخصیت خود پی ببرند باید حالات زنان صدر اسلام را مورد مطالعه قرار دهند و بخصوص فاطمه زهرا و زینب کبری را که در اجتماع حاضر میشدند، چیه میرفتند و سخنرانی میکردند، خطبه که حضرت زهرا در مسجد مدینه ایراد کرد برای همه روشن است، ولی آنها هیچ وقت از حجاب و پوشش شان بی تفاوت نبودند.

پایان

(س) صورت مبارک شان را از مرد " کوری " پوشاند، سؤال شده بود که او شمار نمی بیند چرا صورت خود را از این مرد مخفی میکنی؟ در جواب گفته بود که اگر او مرا نمی بیند من او را می بینم، بعضی از زنان امروزی برای این باور اند که زن در اجتماع یا ظاهر نشود و یا اگر ظاهر شود باید برهنه و بدون حجاب ظاهر شود، در حالیکه در فرهنگ اسلام و در مکتب که زهرا تربیت شده حجاب را مانع از حضور در اجتماع نمی دانند و حجاب را یک نوع حدود حصر نمیدانند بلکه حجاب را زینت و امنیت از برای زن میدانند: چنانچه شاعر کلمات حضرت زهرا (س) را باین مضمون در شعر درآورده است " ای زن بتواز فاطمه اینگونه

میلاد با سعادت بانوی نمونه اسلام صدیقه طاهره، فاطمه زهرا سلام الله علیها را ۱۱ بعضی از مورخین پنج سال قبل از بعثت دانسته اند و بعضی هانچ سال بعد از بعثت پیامبر گرامی اسلام (ص) دانسته اند. پیامبر اسلام (ص) بارها درباره فاطمه زهرا (س) میفرمود " پاره تن منست هر کس فاطمه را بغض آورد من را بغض آورده است و هر که را بغض آورد خدا را بغض آورده است " این جمله بیانگر علاقه شدیدی پیامبر اسلام (ص) بدخت گرامی اش میباشد. فاطمه زهرا (س) نمونه والگوی مناسب تربیتی میتواند برای زنان جامعه ما باشد در تاریخ آمده است، که روزی حضرت زهرا!



هفت حزب عمده افغان تاحی صدره قطعه مشرک خواهان به تعویق اقامت شورای حل و عقد شد

رادیویی بی سی : ۲۲ ر ۹۲۱ ۱۳۷۱

از کابل خبر میرسد که تا چهار روز دیگر که دوره ریاست جمهوری برهان الدین ربانی رئیس جمهور موقت افغانستان به پایان میرسد چه کسی قدرت را بدست خواهند گرفت ؟ شورای اهل حل و عقد که قرار بود دیروز برگزار شود به علل مختلف برگزار نشد و ناظران در کابل احتمال نمیدهند که این شوری در روزهای آینده برگزار شود، امانور الله عماد رئیس کمیسیون برگزاری شوری تا یکدرد که این شوری تا سه روز دیگر کار خود را شروع خواهد کرد، اودریک کنفرانس مطبوعاتی امروز در کابل گفت : از وزارت دفاع خواسته شده است که کار انتقال نمایندگان منتخب مردم را از ولایات بکابل ظرف سه روز آینده تکمیل کنند...

حامد علمی خبرنگاری بی سی در گزارش دوم خود در همین حال و تاریخ می افزاید : یکی از گروههای جهادی مراطلبید و قطعنامه را بمن داد که در پای این قطعنامه

نمایندگان هفت تنظیم جهادی امضا کرده و در این قطعنامه ذکر شده است که " نسبت سردی هوا و از طرف دیگر مداخلات و تشبثات غیر قانونی و سوء استفاده از امکانات در دست داشته دولت ، بنا " هیئت نظارت تصمیم گرفته تاجریان کار شورای اهل حل و عقد از تاریخ معینه خود به تعویق افتد و اینها از شورای قیادی خواستند و به شورای قیادی پیشنهاد کردند تا برای برگزاری شورای اهل حل و عقد زمان مناسب دیگری اختصاص دهد . البته در پای قطعنامه نمایندگان حزب اسلامی حکمتیار ، حزب اسلامی یونس خالص ، حزب اسلامی جبهه ملی نجات ، مخاذ ملی اسلامی حرکت انقلاب اسلامی و حرکت اسلامی محسنی امضا نمودند .

سؤال مرکزی بی سی :

پس به این ترتیب برگزاری شوری در واقع منتفی است بخاطر اینکه آلا ن اکثریت اعضا این شوری موافقت کردند که برگزاری این شوری موافقت کرده اند که این شوری به

تعویق بیافتد درست است ؟
جواب : نظر بر اینکه اعلامیه که دیروز بمن رسیده و در دست دارم " هفت " گروه از نه گروه شامل در حکومت یا شامل در عضویت شوری رهبری افغانستان امضا کردند که برای انتخاب زمان دیگری اختصاص داده شود .
س - کدام احزاب امضا نکرده اند ؟
ج - در پای قطع نامه امضا نمایندگان جمعیت اسلامی ، اتحاد اسلامی برهبری سیاف دیده نمیشود .
س - بنظر شما در کابل آلا ن که این اطلاعیه منتشر شده ذکر میکنند که آلا ن برگزاری شورای اهل حل و عقد " منتفی " شده ؟
جواب - اگر این اعلامیه که بمن رسیده و این نمایندگان شان نظر رسمی احزاب و یا این دست خط ها و امضا های که در پای قطعنامه شده است واقعا " نظر احزاب باشد " گفته می توانم که شوری از جانب هفت تنظیم تحریم شده است .

مژده

در شرایطی که وطن محبوب ما افغانستان در حساسترین مراحل قرار دارد ، بیش از هر زمان دیگر مردم ما و مردم جهان نیاز به آگاهی از وقایع و حوادث " افغانستان " دارند که درین رابطه فرزندان صدیق اسلام در هر گوشه از جهان که هستند به جهاد فرهنگی آغازیده اند و طی نشریاتی در حد توان و امکانات " روایات افغانستان مظلوم " رابه تصویر تحلیل می گیرند ، نشریاتی که بتازه کی و قسما " قیلا " منتشر میشود بشرح زیر است .

- ۱- پیام وحدت - از نمایندگی حزب وحدت اسلامی در آلمان .
- ۲- نامه خبری از نمایندگی حزب وحدت ۱۰۰۰ در لندن .
- ۳- ندای وحدت در " آمریکا " .
- ۴- خبرنامه حزب وحدت اسلامی در کابل اداره طلوع وحدت آغاز چنین تلاش رابه کارکنان نشریات منکورتبریک گفته و بدین وسیله به جامعه مستم کشیده خویش نیز مژده میدهد .

" اداره طلوع وحدت "

هزاران آواره مجیکستانی به شمال افغانستان پناهنده شدند

مطابق به گزارش خبر گذار یهادر اثرنا آرامیها و جنگهای خونینی که در تاجیکستان بین گروههای رقیب جریان دارد - تاکنون هزاران انسان شامل مرد ، زن - کودک ، پیرو جوان آواره گردیده و بعبور از دریای آموبه افغانستان پناهنده شده اند .

منابع کمیساریای عالی سازمان ملل میگوید : این آواره گان با استفاده از لاستیک زیرین موتر از دریای عبور نموده که درین جریان تعدادی از آنها به دریا غرق شده اند ، همچنین بسیار گرسنه و سرمای شدید خورده اند .

کار اعمار مرک ۲۸۰ کیلوتری یکا و لنگ به شمال کشور پیاپی رسید .

منابع خبری حزب وحدت اسلامی گذارش میدهد که کار اعمار سرگد بین یکا و لنگ و دره صوف که از تاجیکستان امسال به ابتکار و سرمایه حزب وحدت اسلامی آغاز شده بود تکمیل گردیده و جاده مذکور که نقل و انتقال شمال کشور رابه یکا و لنگ و بامیان سرعت میبخشد مورد بهره برداری قرار گرفته منبع می افزاید که تمام بودجه اعمار این جاده از طرف حزب وحدت اسلامی تاءمین گردیده





گزیده احزاب و ازبهره‌ها در صحنه مبارزه با کمونیسم

بی بی سی ۲۳ ژانویه ۱۳۷۱

آقای گلبدین حکمتیار از رئیس جمهور موقت افغانستان بشدت انتقاد کرده او گفته است که بهر قیمتی که شده باید در قدرت باقی بماند، آقای حکمتیار در سخنانی که متن آن در پشاور به خبرنگار ما داده شد از سفر خود در بیرون شهر کابل گفت: اظهارات اخیر آقای ربانی مبنی بر اینکه تا انتخاب یک رئیس جمهور تازه از سوی شورای اهل حل و عقد همچنان در قدرت باقی خواهد ماند در واقع اعلان جنگ است، بر اساس توافقی که احزاب مختلف مجاهدین در ماه گذشته امروز آخرین روز رئیس جمهوری آقای برهان الدین ربانی است و او باید تا فردا از قدرت کناره‌گیری کند.

خبرنگاری بی بی سی "لیدر" درین باره گزارش میدهد:

پروفسور ربانی دقیقاً "چهار ماه و چهل و پنج روز است که ریاست جمهوری افغانستان را بعهده داشته است، رقبای آقای ربانی اصرار دارند که او نباید حتی یک روز بیشتر در قدرت باقی بماند و این در حالیست که آقای ربانی این نامزدی خود را به مجمع تحت عنوان شورای اهل حل و عقد قرار است رئیس جمهور بعدی افغانستان را انتخاب کند اعلام داشت، طرفداران او تاکید میکنند که شورای اهل حل و عقد ظرف چند روز آینده تشکیل خواهد شد و همین رابطه چند هوابیهای اختصاصی برای انتقال نماینده گان نواحی مختلف به محل برگزاری شوری به سراسر کشور پرواز کرده است اما گزارش های رسیده از کابل حاکی است که اکثر رهبران مجاهدین افغان در شورای رهبری دولت رابه اخلاص در جهت جریان انتخابات ریاست جمهوری و دادن رشوه به نمایندگان متهم کرده است، رقبای آقای ربانی اکنون تلاش دارند بجای شورای اهل حل و عقد از طریق شورای رهبری رهبر موقت کشور را انتخاب کنند، چند تن از اعضای شورای رهبری از هم اکنون تمایل خود را به نامزدی برای خود ریاست جمهوری اعلام داشته است و بعید بنظر میرسد که شورای رهبری با تمدید ماموریت آقای ربانی موافقت کنند.

با این ترتیب مخالفت اطرافیان پروفسور ربانی با این پیشنهاد و اصرار آنها به تشکیل جلسه شورای اهل حل و عقد که علی الرغم مشکلات عظیم لجستیکی باین کشور و ویران شده موردموافقت رهبران مجاهدین قرار گرفته بود مایه شگفتی نیست، بن بست که در این لحظات واپسین بوجود آمده، گروههای مسلح را در جواکنده از عدم اعتماد و تلخ امیزیه جان هم خواهد انداخت و هنوز نشانه‌ای از راه حل صلح آمیز به چشم نمی‌خورد.

آقای مجددی در آغاز مصاحبه گفت: شورای اهل حل و عقد را ما از سالها از واداشیم تا دایر گرد دور رئیس دولت را برای افغانستان تعیین نماید، از روی من همیشه همین بود و من همین را اظهار کرده ام و زمانیکه برادر هابه این توافق رسیدند خوشحال شدم که اکنون شورای واقعی ملت که نمایندگی دولت را بتواند قوماندانها، علما، گرام، قوم و دیگر طبقه تعلیم یافته ماکه در خارج هستند و نیز نماینده های مهاجرین بیایند و شورای اهل حل و عقد را که شامل یک هزار و پانصد تا دوهزار نفرند تشکیل دهند.

متأسفانه زمانیکه استاد ربانی قدرت را بدست گرفت استاد ربانی تلاش کردند تا شورای اهل حل و عقد ساختگی بوجود بیاورند و شورای سالم نباشد و من به این تاثر دارم که حال اگر شورائی بوجود بیاید شورای ساختگی است، شورای تقلبی است و وقتیکه استاد ربانی هم که تمديد شده بود پوره گردید و فردا بهر صورت که است باید قدرت را انتقال بدهد و شورای قیادی شخص دیگری را برای موقت تعیین کند که او نمایندگی اکثریت اقشار را کرده بتواند در افغانستان کابل امن و امنیت بیاورد و مردم از حقوق خود مستفید شود و شکایت کسی باقی نماند تا راه باز گردد و مواد غذایی و سوخت بمردم بیچاره کابل برسد ۰۰۰ اگر آقای ربانی قدرت را انتقال ندهد عواقب بسیار وخیم را مشاهده میکنم.

از پروفسور مجددی پرسیده شد که در چند روز اخیر از تشکیل شورای رهبری خبری نیست آیا ممکن است که شورای رهبری در دروز آینده تشکیل شود؟

جواب: من خودم برای همین آمدم يك شب را در پشاور گذشتاندم و بعضی از رهبرهای محترم از ماتقاها گردیدند تا هر چه زودتر بروم با اینکه مریض هستم، آمدم و امروز امیدوار بودم تا رهبران تشریف بیاورند و در همین جاه شورا را دایر کنیم، ۰۰۰ و اکثر برادران شاید بیایند و حکمتیار صاحب شاید خواهد آمد، ۰۰۰ و راجع به انتقال قدرت و شورای اهل حل و عقد هم فیصله دیگری نمایند.

از حضرت صبغت الله مجددی پرسیده شد که اگر شخص پروفسور ربانی در این شورا حاضر نشود آیا شورای رهبری قادر است تا تصمیم در غیاب اینها بگیرند؟

جواب: بله استاد ربانی هم يك فردی از شورا رهبری است و اگر از هر تنظیم اکثریت بیاید و فیصله را تصویب نماید، استاد ربانی مجبور است از آن اطاعت نماید در غیر آن برخورد های خیلی شدیدی صورت خواهد گرفت.

شعر

تاکی از غفلت مامصف حق داد کند
آیه واعتموماناله و فریاد کند

دلخوشی از محنت مادشمن شاید کند
از درویزی ماخویشتن آباد کند

فکر بایکده ازین نخل چه آید ثمری
سودماجیست درین مرحله غیر از ضرری

اختلاف من و تو باعث ویرانی ماست
کینه توزی سبب رنج و ویریشانی ماست

نهی تفرقه فرمایش قرانی ماست

عیب در دین نبود عیب بمسلمانی ماست.

نیست در تفرقه و کینه بجز شور و شری
وحدت و صدق و صفا جو که ندارد خطری

ضربه بر پیکرت کافر شدد زنده

خرمن عمر ترا آتش بیداد زنده

آتش تفرقه را دست چفاباد زنده
هر قدر دین به پی‌گوش تو فریاد زنده

بتو هرگز نکننداله قرآن اثری

وای بر این همه خودخواهی و این گوش‌گری
این عقب ماندگی ماهمه از غفلت منا

نه که از فرط تهی دستی و قلت ماست
از در افتادگی و تفرقه ملت ماست

عدم وحدت و یکپارچگی ملت ماست

آخرای ملت مو من فراز آرس

آخرای ملت مو من فراز آرس
در فضای شرفت باز نمایال و پی‌ری

دشمن امروز بسی رخنه بهر بام کند

ضربه وارده سرو پیکر اسلام کند

مسلمین را بهم انداز دوید نام کند
کار خود را بمیان ساز و انجام کند

نفع بردار ازین صحنه حیل‌ه گری

او بعیش و طرب و ماهمه با چشم تری

وقت آنست که بهم یار و مددگار شویم
مخلص و متحد و مشفق و انبار شویم

در قبال ستم و ظلم هم آواز شویم.

واقف از نکته مصلحت و راز شویم.

طارقت داددی گرت را درد سوری
از ره لطف کن از سهو و خطایش گذری

(شعر از استاد طارق)

طلوع وحدت

جریده: سیاسی، فرهنگی، عقیدتی، خبری
صاحب امتیاز: حزب وحدت اسلامی ۰۰۰

زیر نظر: کمیون فرهنگی.

مرکز پخش: دفاتر و نمایندگان گهای حزب وحدت

اسلامی در پاکستان و ایران.

آدرس پستی: پاکستان کویته بلوچستان

پست، بکس نمبر (۱۲۲).